



## علامه بلخی و عدالت خواهی

محمد اسحاق عارفی

مقدمه

علامه سید اسماعیل بلخی از چهره‌های مؤثر ملی است که سهم عمده‌ای در مبارزات عدالت خواهانه داشته است و از مصلحان پیشگام و بزرگ اجتماعی کشور محسوب می‌شود. سجایای عمیق اخلاقی چون؛ پارسایی و طهارت نفس، سخاوت و جوانمردی، شجاعت و ترسی، بیان جذاب و شیوا، برخورد و مبارزه با پدیده‌ها و سمبل‌های تبعیض آمیز اجتماعی و دینی، حل و رسیدگی به گرفتاری‌های شهروندان کشور، سید اسماعیل بلخی را در موقعیت یک مصلح تمام عیار اجتماعی قرار داده بود و کم‌کم به سوی احیای موقعیت یک مبارز سیاسی به پیش راند. سید اسماعیل بلخی که بر وضعیت نابسامان اجتماعی، فرو افتادگی منزلت‌های اجتماعی اقشار وسیع از نیروهای گسترده شهروندی، حرمت نداشتگی‌های انسان و انسان‌بودگی، تبعیض و نابرابری‌های وسیع اقتصادی و فرصت‌های ملی، وقوف یافته بود به سمت مبارزه عدالت خواهانه در سطح ملی کشیده شد. سید، مبارزات سخت را به سمت اهداف خاص و به خصوص به سمت نظام سیاسی کشور نشانه رفت و با استراتژی «تأسیس نظام سیاسی مردم سالار» برای احیای عدالت، توزیع فرصت‌های برابر ملی و مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت سیاسی‌شان، مبارزات عدالت خواهانه‌شان را برای حداقل دو دهه سامان داد.

اما آنچه که نسبت اسوه‌گی سید را برای مبارزه عدالت خواهانه با وضعیت امروز جامعه ما تعیین می‌کند، ویژگی‌های مبارزاتی علامه بلخی، تعیین اهداف راهبردی مبارزاتی و شیوه‌های مبارزاتی متناسب با اهداف راهبردی مبارزه، تعیین بخشی به پایگاه معرفتی مبارزه و... است که علامه بلخی را

در معرض عرضه مجدد تاریخی و سیاسی قرار داده است. در این ارتباط ویژگی‌های اساسی در سلوک و رفتار سیاسی و اجتماعی علامه بلخی وجود دارد که قابلیت بازاندیشی و تأمل را در پی داشته است و زمینه‌های الگوی رهبری موفق سیاسی و اجتماعی ایشان را تمهید فراهم کرده است.

### الف. عبور از منازعات فرقه‌ای و مذهبی

از ویژگی‌های سلوکی، رفتاری و فکری علامه بلخی تأکید بر حل منازعات فرقه‌ای و مذهبی در کشور بود که همیشه مورد تأکید و توصیه ایشان قرار می‌گرفت. بدیهی است که رفتارها و سلوک رفتاری و اخلاقی انسان‌ها ریشه در باورها و اعتقادات ذهنی افراد و اشخاص داشته و برآیندها و نتایج آن به صورت رفتارهای اجتماعی و سلوک اخلاقی اشخاص به منصف ظهور می‌رسد. سلوک و رفتار که تهی از ریشه‌های فکری و معرفتی باشد، به صورت رفتارهای مقطعی و ریاکارانه بروز و ظهور می‌کند که در فرجه‌های اندک زمانی از بین رفته و به اضمحلال و نابودی کشیده می‌شود. این رفتار سید اما؛ به عنوان سلوک اخلاقی و رفتاری مستمر و دوام‌دار ریشه در بنیان‌های فکری و ساحت‌های ذهنی و معرفتی ایشان داشته است که به محبوبیت و فرزاندگی سید انجامیده است.





و مراکز علمی، فرهنگی و آموزشی، حسینیه‌ها، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و مساجد، به تبیین و تشریح موضوعاتی چون؛ اخلاق، تاریخ اسلام، تفسیر و احادیث نبوی همراه با داستان‌های جذاب و حماسی می‌پرداخت. تأسیس کرسی تدریس، ایجاد کانون‌های فرهنگی، احداث و تجدید بنای مساجد، حوزه‌های علمیه و حسینیه در شهرهای هرات، کابل، بامیان و... تشویق مردم به تحصیل دانش و فراگیری علوم از محورهای اصلی حرکت‌های اصلاحی علامه بلخی بود که او را به چهره‌ماندگار اصلاحی کشور تبدیل کرد.

سید اما؛ با درک نابسامانی‌های عمیق و ریشه‌دار اجتماعی چون فقر، تبعیض، نابرابری‌های اجتماعی و سیاسی، اختصاص فرصت‌های ملی به طایفه و اقوام خاص کشور و عدم حضور شهروندان در تعیین مناسبات سیاسی و اجتماعی و... برآن شد که از کسوت مصلح اجتماعی صرف بیرون جسته و به اقدامات سیاسی معین با اهداف، آرمان و پلان‌های حقوقی و سیاسی مشخص بپردازد. علامه بلخی با تمرکز به فعالیت‌های سیاسی اقدام به تأسیس و پایه‌گذاری حزب «ارشاد» و یا «اتحاد» کرد. هرچند اولین تلاش‌ها برای تأسیس حزب ارشاد، در سال ۱۳۱۷ و بلافاصله پس از ورود بلخی به هرات انجام شد؛ اما کمیته مرکزی حزب، پس از استقرار او در کابل در سال ۱۳۲۷ به طور سری تشکیل شد. این حزب ابتدا در هرات و سپس در کابل رهبری می‌شد؛ اما به تدریج و در پی سفر بنیانگذاران آن به مناطق مختلف افغانستان، به سراسر کشور گسترش یافت و افرادی از قومیت‌ها، مذاهب و قبایل مختلف به آن پیوستند. علامه بلخی اهداف و پلان‌های سیاسی‌شان را از طریق این حزب سامان‌دهی کرده و به تعقیب برنامه‌های سیاسی‌شان ادامه داد.

### ج. تأسیس نظام سیاسی مردم‌سالار

علامه بلخی مبارزات سیاسی و عدالت‌طلبانه‌شان را با اهداف مشخص سیاسی تعقیب و دنبال می‌کرد. سید با تعیین هدف معین سیاسی، سردرگمی و حیرت مبارزاتی را که امر مبارزه را دچار انسداد، کندی و فرسایش می‌کنند، از روش‌های مبارزاتی‌شان دور کرده و با دورنمای مشخص سیاسی به هدایت و سکان‌داری مبارزه عدالت‌خواهانه ادامه می‌داد. علامه بلخی هرچند تجربه تغییر نظام سیاسی را از پادشاهی مطلقه به پادشاهی مشروطه و حرکت نظام شاهی ظاهرشاهی، به سمت ورود به دموکراسی را در تاریخ کشور می‌دانست؛ ولی

**سلوک و رفتار که تهی از ریشه‌های فکری و معرفتی باشد، به صورت رفتارهای مقطعی و ریاکارانه بروز و ظهور می‌کند که در فرجه‌های اندک زمانی از بین رفته و به اضمحلال و نابودی کشیده می‌شود. این رفتار سید اما؛ به عنوان سلوک اخلاقی و رفتاری مستمر و دوام‌دار ریشه در بنیان‌های فکری و ساحت‌های ذهنی و معرفتی ایشان داشته است که به محبوبیت و فرزادگی سید انجامیده است.**

علامه بلخی نه تنها بر بنیادهای معرفتی و اخلاقی خود معتقد به روابط برابر انسانی و هم سطحی منزلت‌های طبیعی بشری بوده است که مبارزات عدالت‌طلبانه دنیای آن روز را به درستی مورد شناسایی قرار داده و راه حل‌های منازعات نابرابر نژادی، دینی، فرقه، قومی، زبانی و تأثیر آن در توسعه و انکشاف بشری، علمی و توسعه‌ای دنیای آن روز را به خوبی درک و فهم کرده بود. از همین روی علامه بلخی، منازعات فرقه‌ای چون شیعه اسماعیلی و دوازده امامی در حوزه مذهبی اهل تشیع و منازعه شیعه و سنی را در سطح کلان‌تر ملی مورد توجه قرار داده و تجربه حل منازعه سفیدها و سیاهان آمریکا را مورد اشاره قرار می‌دهد. وقوف سید بر منازعات رنگین قومی و نژادی آن روز عمق مطالعه، تأمل و شکار مسئله‌های اصلی دنیای بشری آن روز را نشان می‌دهد و از ایشان الگوی موفق رهبری یک مبارزه عدالت‌خواهانه را به نمایش می‌گذارد.

### ب. گذر از اصلاح‌گری اجتماعی و آغاز مبارزه سیاسی

علامه بلخی در اوایل حضور اجتماعی‌شان از جایگاه یک عالم دینی بر اصلاحات اجتماعی و ارشادات دینی تعیین موقعیت کرده و از این جایگاه به تبیین اهداف اصلاحی خویش پرداخته است. ایشان در جمع علما، بزرگان و مردم شیعه و سنی

در عین حال این حرکت را برای ترقی، توسعه و ایجاد ساختار عادلانه سیاسی کافی نمی‌دانست.

علامه بلخی در همین راستا برای اولین بار تغییر نظام سیاسی را از پادشاهی مشروطه به نظام «جمهوری اسلامی» برنامه‌ریزی کرد و برای این تغییر عمیق سیاسی طرح‌های جدی روی دست گرفت. تغییر ساختار نظام سیاسی کشور از نظام بسته پادشاهی به نظام مردم‌سالار دموکراتیک، در شرایط دشوار آن روز، ویژگی خاص و هوشمندی سیاسی سید را برجسته می‌کند و الگوی رهبری مبارزاتی ایشان را در خور تأمل و قابل توجه می‌نمایاند. علامه بلخی برای دست‌یابی به این هدف مشخص سیاسی طرح براندازی حکومت ظاهرشاهی را ریخته بود که پیش از اجرای آن تعدادی از یاران سید دستگیر و به زندان افکنده شد. بلخی در شرایطی که یارانش پیش از او بازداشت شده بودند، تنها گذاشتن یاران را شرط مردانگی ندانست و خود را در حسینیه میر اکبر آقا در چنداول کابل، به مأموران مخفی ظاهرشاه معرفی کرد و خود نیز روانه زندان شد. بلخی بیش از یک دهه زندانی بود و در سال ۱۳۴۳، پس از آغاز نخست‌وزیری محمد یوسف و در دهه معروف به دهه دموکراسی آزاد شد.

#### د. عدالت خواهی بر بنیاد تفکر دینی

مبارزه عدالت‌خواهانه بر بنیاد ظرفیت‌های تفکر دینی از ویژگی‌های اساسی مبارزات علامه بلخی به شمار می‌رود. ایشان با وقوف بر دیدگاه‌ها و نظریه‌های فرادینی «عدالت» همچون تفکر مارکسیستی و مانند آن که در کشور ما دارای پایگاه‌های فکری و ایدئولوژیکی نیرومند بودند، مبارزات عدالت‌طلبانه‌شان را بر بنیاد تفکر دینی استوار و به سرانجام آن نیز اعتقاد و باور کامل داشت. این ویژگی هم ظرفیت و پتانسیل دین و تفکر دینی را برای حمل مفاهیم عمیق اخلاقی و سیاسی چون عدالت به تصویر می‌کشد و هم تیزبینی و فراست سیاسی و معرفتی سید را در امر مبارزه سیاسی و اصلاحات اجتماعی تبیین می‌کند. روزگاران که تفکر دینی از جذابیت و گیرایی اخلاقی فرو افتاده بود و صرف در مدح و ثنای دربار و درباریان مورد سبجش قرار می‌گرفت و ظرفیت احساس درد تبعیض و ناروایی‌های شهروندان را از دست داده بود، علامه بلخی مقوله‌های عمیق اخلاقی و دینی چون عدالت را برای دوباره اندیشی دینی مطرح کرد.

نکته‌ای که در انتخاب بنیان‌های فکری مبارزات علامه بلخی اهمیت و برجستگی تاریخی می‌یابد، این است که؛ امروزه دیدگاه‌های افراطی نسبت به جایگاه و تفکرات دینی در جامعه ما میدان‌داری می‌کند که هر دو به تخریب، براندازی و ناسازواری‌های اجتماعی و فرهنگی می‌انجامد. تفکر افراطی دینی که بر بنیاد آن، ترور، وحشت، آدم‌کشی و ویرانی برای سلطه

شریعت، صورت می‌پذیرد و تفکر تفریطی که با دور نگهداشتن مفاهیم بنیادین اخلاقی چون، عدالت، برابری، انسان‌دوستی و کرامت بشری را از حیطة دین دور ریخته و این‌گونه مفاهیم عمیق و ریشه‌دار انسانی را از پشتوانه‌های معنی‌دار دینی تهی می‌کند. در این میان طرح مفهوم «عدالت» از سوی علامه بلخی قرانت جدید و با پشتوانه‌های مستحکم تاریخی و دینی بود که میزان استدلال‌پذیری و مقبولیت آن را در اذهان عمومی شهروندان کشور بالا می‌برد و ایمان به عدالت را به عنوان یک مفهوم دینی اخلاقی بارور می‌کرد. فهم و مطالبه عدالت از موقعیت و جایگاه دینی زمینه پذیرش آرمان‌های عادلانه را در کشورهای اسلامی بالا برد و موقعیت‌های اخلاقی و معنوی مبارزات عدالت‌طلبانه را استحکام می‌بخشد.

جایگاه دینی عدالت، از فرصت‌های مبارزاتی است که نسل عدالت‌طلب امروز ما نباید آن را به سادگی از دست بدهند و با بازخوانی عمیق‌تر رویکرد شهید علامه بلخی به تعمیق ریشه‌های اخلاقی و دینی عدالت‌طلبی، انسان‌دوستی، صلح و کرامت‌گرایی بپردازند.

